برنامه تور کنسرت‌های رضا صادقی اعلام شد

ایسنا- تور کنسرت‌های آلبوم «یعنی درد» از هفته آینده آغاز می‌شود. رضا صادقی ۲۴ تیرماه به استان گیلان سفر می‌کند و در سالن ملک‌نیای شهر آستارا روی صحنه می‌رود. او سپس با گروهش عازم قزوین می‌شود و ۲۵ تیرماه مهمان مردم این شهر خواهد بود. این خواننده در سالن نمایشگاه بین‌المللی این شهر آثار جدید و خاطره‌انگیزش را روی صحنه می‌برد. مقصد بعدی رضا صادقی دوباره استان گیلان و این بار شهر رشت خواهد بود.

نگاهی به مجموعه شعر «به زبان مادری» از انتشارات شهرستان ادب

دغدغه های اجتماعی یک شاعر

حسنا محمدزاده- «به زبان مادری» عنوان اولین مجموعه از شعرهای کلاسیک شاعر جوان و خوش‌ذوق، علی اصغر شیری است که دربرگیرندهٔ ۳۰ غزل است و انتشارات شهرستان ادب آن را در ۶۸ صفحه منتشر کرده است. غزل‌های این کتاب شامل مضامین عاشقانه، آزاد، مذهبی و دفاع‌مقدس است.

علی اصغر شیری شاعری جوان است اما بسیار روان می‌سراید و این جسارت را دارد که توانایی خود را در خلق شعرهایی با مضامین گوناگون بیازماید. کتاب او را می‌خوانیم بی‌آنکه حس کنیم در سرودن مضمونی به‌تکرار رسیده است یا اینکه بتوانیم به قطعیت بگوییم او در سرودن محتوای خاصی چیره دست‌تر است. او در این مجموعه نشان داده که همواره در پی راهی نو برای به‌واژه کشیدن مضمون مدنظرش است و تمام‌توان خود را برای بهتر سرودن آن مضمون به کار می‌برد. چنان که مخاطبش تصور می‌کند تنها عاشقانه سرا است یا تنها شعر مذهبی می‌گوید و یا اینکه فقط و فقط دغدغه بیان مسائل اجتماعی روز جامعه را دارد. علی اصغر شیری، عناصر شعر را به‌خوبی می‌شناسد و سعی می‌کند با بهره‌گیری هرچه بهتر و شاعرانه‌تر از همه عناصر، شعرهایی دلنشین و خواندنی خلق کند. می‌توان گفت به‌موسیقی شعر توجه خاصی دارد، اگرچه از نظر موسیقی بیرونی (وزن عروضی) در شعرهای کتاب تنوع زیادی به چشم نمی‌خورد و شعرها در شش یا هفت وزن عروضی سروده شده است اما غزل‌ها از موسیقی کناری (ردیف و قافیه) و موسیقی درونی (انواع تناسبات آوایی) بهره نسبتا زیادی دارد؛ چنانکه حدود ۹۰ درصد شعرها دارای ردیف است و در برخی موارد بهره‌مندی از ردیف و قافیه‌های خاص و کم‌استعمال، تا حد زیادی توانایی شعری شاعر را به رخ می‌کشد و او را در خلق مضامین نو یاری می‌دهد.

«از بس که پاره‌های تنم شعله‌ور شده
خاکسترم به وسعت یک شهر سوخته است
در سینه‌ام سفال ترک خورده‌ای است دل
گنجینه‌ام به قدمت یک شهر سوخته است»

«با آنکه برگ برگ، پراکنده‌توام
این گونه روی زردم و شرمنده‌توام
شور سماع می‌بردم یا شمیم تو
از بلخ تا به قونیه آکنده‌توام»

«غیر تو هیچ کسی هم‌نفس آینه نیست
تا تو هستی دل ما در هوس آینه نیست»

«دیشب تمام غربت خود را قدم زدم
اندوه بی‌نهایت خود را قدم زدم»

خیال جزء لاینفک شعر است و شاعر از قدرت تخیل بیشتر از دیگر انسان‌ها برخوردار است و این توانایی را دارد که ارتباطی قوی میان خودش و اشیا و موجودات و طبیعت پیرامونش برقرار کند؛ چیزهایی مثل درخت، قایق، سنگ، بیابان، برکه، ماهی، آب، آتش و... تا بتواند مفاهیم ذهنی خود را که هر یک چون دانه‌های تسبیحی گسسته گوشه‌ای افتاده، با نخ بافته‌شده از تخیلش به هم متصل کند.

«نوبهارم کوچ کرده، از پرستوها بپرس
برکه‌ای خشکیده‌ام، از دسته قوها بپرس
قایقی وارونه‌ام در بندری بی اسکله
حال و روزم را فقط از بغض پاروها بپرس»

«گره می‌خورد اگر مویت به یال اسب‌ها در باد
نسیم ترکمن صحرا فقط بوی تو را می‌داد»

«درخت کوچک من سرپناه زیبایی است
اگرچه زرد شده تکیه‌گاه زیبایی است»

با مطالعه «به زبان مادری» می‌توان پی برد که دغدغه ذهنی شاعر تنها معطوف به مضامین مذهبی و عاشقانه نیست بلکه دغدغه اصلاح جامعه را هم دارد و این مسئله در شعرهای با محتوای اجتماعی کتاب، قابل لمس است. شعر اجتماعی شعری است با درون مایه‌ای جامعه‌گرا و انسان‌مدار که بیانگر آرمان‌های مشترک مردم است. در این قلمرو شاعر تلاش می‌کند بازتاب‌دهنده صادق روزگار خود باشد و بتواند مسائل روز جامعه را با ذهنی پویا پالایش کند و به آفرینش اثری اصیل دست یابد؛ در غیر این صورت اثر او چیزی جز مشتی شعار شبه‌شعر نخواهد بود. یکی از مسائلی که شاید تاکنون ذهن بسیاری از شاعران را درگیر کرده، تفاوت طبقاتی در جامعه امروز است. علی اصغر شیری در شعری با ردیف «پایین شهر» خیلی خوب از پس بیان این تفاوت و نگرانی‌های ذهنی‌اش برآمده و انتخاب این ردیف خاص در به تصویر کشیدن چنین محتوایی بسیار هوشمندانه بوده‌است.

«با کفش وصله‌دار رسید از راه، از امتداد جاده پایین شهر
از ردپای گمشده‌اش پیداست، دلشوره پیاده پایین شهر
با آنکه رنج کارگری سخت است، با آنکه داغ بی‌پدری سخت است
از هرچه تیرآهن پولادین، محکم‌تر است اراده پایین شهر...»

غزل مذکور و چند شعر دیگر از جمله غزل:

«کافه‌ها شاعران بی‌دردند، عمری آسوده‌خاطرند انگار
کافه‌هایی که در توهم خود، نبض شعر معاصرند انگار
شاعرانی که با تب هر شعر، در پی عشق تازه می‌گردند
با نگاهی همیشه وهم‌آلود، محو میز مجاورند انگار»

که در آن به مسائل روز جامعه ادبی و سر و صدای بلند شعرهای سانتی‌مانتال و رقیق و یک‌لایه و محو شدن صدای شاعران واقعی میان هیاهوی شاعرنماهای این روزگار پرداخته است، نشان از این دارد که شاعر مجموعه «به زبان مادری» در وزن‌های بلند و دوری خیلی خوب رشته کلام را به‌دست می‌گیرد و کمتر به اجبارها و محدودیت‌های وزنی تن می‌دهد؛ اتفاقی که در بعضی غزل‌های او با وزن‌های کوتاه افتاده است.

می‌توان گفت که شعر اجتماعی علاوه بر موارد گفته‌شده، به بیانی کوبنده، پرتپش و هیجان‌آفرین نیاز دارد تا سستی و رخوت را از مخاطب بزداید و شور و شعور را در او زنده کند؛ جوهره‌ای که معمولا در غزل‌های اجتماعی کمرنگ می‌نماید. چیزی شبیه لحن حماسه‌آمیزی که تا حدودی در ناخودآگاه این غزل جریان دارد:

«به دور شهر مصیبت‌زده حصار کشیدند
شبی که آتش عصیان به این دیار کشیدند
به روی بیرق بر خاک سرنگون شده شهر
نشان کاوه شکستند و نقش مار کشیدند»

در کنار همه موارد ذکر شده توجه شاعر به مضامین مذهبی قابل ستایش است. او جوانی است برآمده از بطن جامعه و درگیر با مسائل روز، نباید از او انتظار داشت مانند گذشتگان تنها مبانی صرف دینی و حکمی را در شعر خود به نظم بکشد. او در شعرش به دنبال جنبه‌های روایی است و این مسئله به عینی‌گرایی او بازمی‌گردد و نگاه جزءنگرش؛ گرایش به عینیت نه‌تنها از بار معنایی و رسالت شعر مذهبی نمی‌کاهد بلکه آن را برای مخاطب شعر امروز ملموس‌تر می‌کند تا بتواند از دل شعری عینیت‌گرا مفاهیم بلند حکمی و دینی را استخراج کند. بهترین نمونه برای آنچه گفته شد، غزل زیبایی است که به حضرت معصومه (س) تقدیم شده‌است و می‌تواند حسن ختامی باشد بر این یادداشت؛ برای شاعر جوان و توانمند مجموعه «به زبان مادری» آرزوی توفیق روزافزون دارم.

■ **نذر حضرت معصومه (س)**

همه کس عرض ارادت به تو دارد ای ماه!
دست بر سینه و در سینه دلی همدم آه
آمدم با اتوبوسی که پر است از صلوات
چه ترافیک عجیبی‌ست در این نیمه راه!
گنبد چشم‌نواز تو به هنگام طلوع
دیدنی‌تر شده از روی پل نیروگاه
زائرت خسته راه است، مداوایش کن
این یکی از همدان، آن یکی از کرمانشاه
خستگی بر تن او از چمدان‌هایش نیست
بی‌گمان قامت او خم شده از بار گناه
دم در، زل‌زده بر صحن پر از آیینه
خجل از اینکه چرا آمده با روی سیاه
دختری در پی معصومیت گمشده‌اش
خسته از هر کس و هر جا به تو آورده پناه
باز انبوهی از اندوه در این دل دارد
باز انبوهی از اندوه، دلی همدم آه

ناگهانِ شعر

زهرا گریزپا

۱
زخمت
لانه پرنده‌ای است
بی‌جفت
زخمت
درّه‌ای است در میان جنگلی
آن هنگام که ناله‌ات
صدای ارّه‌ای را به خاطر می‌آورد
دردت
از شاخه‌ای به شاخه‌ای می‌پرید
شب‌ها
دری بود که رو به خیابان باز می‌شد
شب‌ها
زنی بود با موهای پریشان
با مهربانی درختان توت با زمین
با مزرعه‌ای که بذر شبدر در مشتش می‌کاشت
و سرو با تابوتی در پایش ایستاده بود
چه مرگ بیهوده‌ای است خواب!
چه حسی است
عاطفه باد با درخت
گاهی غم آن‌قدر سنگینم می‌کند
که می‌توانم میخی را به دری بکوبم
این گونه زندگی‌ام نکن
چون چادری که باد
هر لحظه به سویی تکانش دهد
این گونه زندگی‌ام نکن
تو را با گونه‌تر نوشته‌ام
با زخمی در بال

۲
گاهی به اندوه کلمه‌ای پناه می‌برم
به چشمه‌ای
تا گلو در آب
هنوز
دیدن بهار دل گرمم می‌کند
و حضور اندوه
تنها
خراش کوچکی است بر درخت
نمی‌دانم دستم به شکوفه‌های نارنج می‌رسد
به درختی که روشن بود و مهربان
می‌ترسم
مرگ غافل‌گیرم کند
قبل از اینکه بیمار شوم
اگر این شعر را تمام نکنم
اگر باد
سلیقه درختان را عوض کند
می‌ترسم
چیزی گلویم را بفشارد
و تنها
کلمه‌ای
دلم را خون کند

۳
درخت بود و غروب و ردیف فنجان‌ها
حیاط خانه و چشمان خیس گلدان‌ها
تو مثل یک گل سرخی درون یک پرچم
کبوتری شده‌ای روی دوش انسان‌ها
غزل شدی و گلوله، میان آتش و خون
شبیه کوه دماوند و مرد میدان‌ها
شبیه کوه دماوند و زخمی از دو سپاه
سپاه زخم زبان‌ها و نامسلمان‌ها

چقدر کام مرا تلخ کرده این روضه
عبور قافله تشنه از بیابان‌ها
صدای قافله و زینب است و لالایی
_ چرا نیامده بابا از آن خیابان‌ها
تو رفته‌ای و غروب است و بازی دنیا
صدای جغجغه و هی گلوله باران‌ها
شب است و شام غریبان و گریه زینب
صدای سوره والعصر و ختم قرآن‌ها

قرار بود بیایی قرار من باشی
ولی قرار گرفتی مقابل آن‌ها
تو از قبیله عشق و قبیله گل سرخ
من از قبیله اندوه، از پریشان‌ها
بگو چگونه بنامم تو را عزیز دلم
تو ای شهید حرم، ای رفیق دوران‌ها

بازارچه کتاب

انتشار دفتر دوم «سیری در گلزار مثنوی»؛ شرح ۳۲ حکایت مثنوی معنوی

به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) همزمان با ۱۹ تیرماه، نخستین سالگرد درگذشت زنده‌یاد «مهدیه الهی قمشه‌ای» نویسنده کتاب «سیری در گلزار مثنوی» دفتر دوم این اثر را منتشر می‌کند. به گزارش روابط عمومی انتشارات آستان قدس رضوی، مدیرعامل این انتشارات گفت: «الهی قمشه‌ای» در جلد دوم «سیری در گلزار مثنوی» به شرح ۳۲ حکایت از دفتر نخست مثنوی معنوی مولوی می‌پردازد که روش نویسنده برای شرح مثنوی در این اثر، بیان برخی از بیت‌ها و شرح و توضیح نکات دینی، عرفانی و ادبی مربوط به حکایت است. حسین سعیدی خاطرنشان کرد: این اثر ارزشمند، مجموعه درس‌های مثنوی معنوی زنده‌یاد الهی قمشه‌ای را که در سال‌های گذشته در کلاس‌های مختلف به علاقه‌مندان ارائه شده است، با زبانی شیرین و شفاهی به خواننده منتقل می‌کند که در مراحل مختلف ویرایش این کتاب، بیان شیرین و روش شفاهی نویسنده اثر حفظ شده است. سعیدی با اشاره به اینکه انتشارات آستان قدس رضوی پیش از این جلد اول «سیری در گلزار مثنوی» را در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسانده بود، افزود: اکنون جلد دوم این اثر را در ۲۴۰ صفحه با شمارگانی برابر ۱۰۰۰ نسخه و در قطع رقعی منتشر کرده و در دسترس مخاطبان و علاقه‌مندان قرار داده است. شرح و توضیح نکات دینی، عرفانی و ادبی مربوط به حکایت است. ارجاع ابیات مثنوی بر اساس شمارهٔ دفتر و شمارهٔ بیت فراهم شده است. هر جا که بیت با نسخهٔ نیکلسون متفاوت بوده، در پاورقی به آن اشاره شده است. بانو «مهدیه الهی قمشه‌ای» فرزند حکیم محی‌الدین الهی قمشه‌ای، شاعر، ادیب و مثنوی‌شناس معاصر است. وی در مثنوی‌شناسی از محضر استادانی از جمله مرحوم الهی قمشه‌ای (پدر)، جلال‌الدین همایی، صدرالدین محلاتی، علامه جعفری و رضازاده شفق بهره فراوان برده است. این محقق ادبیات عرفانی در روز ۱۹ تیرماه ۱۳۹۵ در ۷۹ سالگی دار فانی را وداع گفت.

خبر

فرزند نیما یوشیج در گفت‌وگو با ایسنا ادعا کرد

دستبرد به آثار نیما یوشیج!

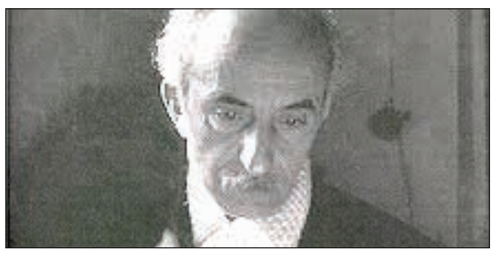

وکیل "شراگیم یوشیج" از اقدام قضایی علیه برخی از ناشرانی که حق مالکیت آثار نیما یوشیج را نادیده گرفته‌اند، خبر داد.

محمدحسین آقاسی، وکیل دادگستری که وکالت "شراگیم یوشیج" را برعهده دارد، در این باره به ایسنا گفت: «فرزند نیما از بی‌نتیجه ماندن گفت‌وگوهایش با برخی از ناشران سرخورده و دلگیر شده است. وی معتقد است آثار مرحوم نیما مورد دستبرد قرار گرفته و بعضاً برخی ناشران با کسی که امینِ وی بوده و بخشی از آثار را به شکل امانت در اختیار داشته، هم‌داستان شده و بدون اجازه صاحب اثر، آنها را منتشر کرده‌اند. طبیعی است که اشخاص وقتی از طریق مذاکره به حقوق خود نمی‌رسند، به ناچار به دامان مقامات قضایی دستِ یاری دراز می‌کنند، به امید آنکه بتوانند به حق قانونی خود نائل شوند.»

وی در پاسخ به این سوال که آیا شما قرار است علیه اشخاص خاصی طرح شکایت کنید؟ بیان کرد: «آقای شراگیم تنها فرزند نیما با اعطای وکالت به من، خواسته است که علیه برخی ناشران طرح شکایت کنم، مدارکی هم هست که در مواردی و حتی با شخصی که فعلاً نباید نام ببرم، تبانی کرده‌اند تا آثار استاد نیما را که فرزند ایشان (شراگیم) جمع‌آوری کرده و حتی یک بار هم به نام ایشان به چاپ رسیده است، عیناً با نام شخص ثالث منتشر کنند.» این وکیل در همین زمینه به ناشرانی که همچنان به انتشار بدون اجازه آثار نیما ادامه می‌دهند، توصیه کرد: «استدعای من به عنوان وکیل تنها وارث نیما این است که از اصرار بر انتشار آثار، بدون موافقت آقای شراگیم یوشیج خودداری کنند و اخلاق را هم علاوه بر قانون مدنظر قرار دهند. البته طرح شکایت اینجانب در دست انجام است.» یکی از مباحثی که طی سالیان بسیار محل مناقشه بوده، مالکیت حقوقی آثار نیماست که اکنون بار دیگر از سوی فرزند نیما، شراگیم یوشیج، مطرح شده است.

گزارش هنری

ادای احترام ۴ هزار نفری ایتالیایی‌ها به ایران

موسیقی ایران هم مانند سینما افتخار جهانی می‌آفریند

ارکستر سمفونیک تهران به مدیریت هنری شهرداد روحانی و رهبری ریکاردو موتی شب خاطره‌انگیزی را برای مخاطبان ۴ هزار نفری تالار مائورو دآندره ایتالیا رقم زد. به گزارش مهر، تالار چهار هزار نفری «مائورو دآندره» شهر راونا در کشور ایتالیا در دومین اجرای پروژه «جاده‌های دوستی» به رهبری ریکاردو موتی جمعه شب ۱۷ تیرماه شاهد یکی از باشکوه‌ترین اجراهای ارکستر سمفونیک تهران به مدیریت هنری شهرداد روحانی با مشارکت ارکستر جشنواره راونا به رهبری ریکاردو موتی هنرمند جهانی حوزه موسیقی کلاسیک بود.

در این کنسرت که با حضور تعدادی از مقامات ایتالیایی برگزار شد، علی مرادخانی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی اکبر صفی پور مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی، اکبر قولی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا و تعدادی دیگر از مسئولان نیز در جمع مهمانان حضور داشتند. در ابتدای برنامه که با استقبال کم نظیر مخاطبان ایتالیایی برگزار شد، گروه مشترک نوازندگان به اجرای سرود ملی دو کشور ایران و ایتالیا پرداختند که به گمان بسیاری از مخاطبان و خبرنگاران ایرانی حاضر در سالن این اجرا، یکی از بهترین اجراهای سرود ملی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته بوده است.

آنچه در آخرین اجرای پروژه مشترک «جاده‌های دوستی» رقم خورد، نوای ساز نوازندگان جوان و مستعد هنر ایران‌زمین در یکی از مهم‌ترین کشورهای صاحب هنر دنیا بود. هنرمندانی که با همراهی نوازندگان ایتالیایی عزم خود را جزم کرده بودند تا در ادامه اجرای خود در تالار وحدت تهران، برگ درخشان و ثمربخشی را بر افتخارات موسیقایی سرزمینشان با آن قطعات پیچیده جوزپه وردی و تطبیق با اپراهای سنگین ایتالیایی اضافه کنند؛ افتخاری که با توجه به شور و هیجان توصیف ناپذیر تالار مملو از جمعیت، دست کمی از دریافت جایزه اسکار و نخل طلا و خرس نقره ای برلین نداشت. افتخاری که شاید به پرسروصدایی حضور فوتبالیست های ایرانی در جام جهانی فوتبال نباشد اما قطع به یقین، یکی از باشکوه ترین اجراهای ارکستر سمفونیک تهران را طی سال‌های جاری فعالیت این مجموعه رقم زد و نشان داد که نوازندگان ایرانی می توانند در رویدادهای بین المللی حضوری درخشان داشته باشند. در وصف اجرای مشترک ارکستر جشنواره راونا و ارکستر سمفونیک تهران همین بس که بعد از پایان برنامه بیش از ۱۵ دقیقه تماشاگران به طور مستمر اعضای نوازنده، ریکاردو موتی، شهرداد روحانی و دیگر مسئولان برگزاری کنسرت را تشویق کردند که این موضوع به گفته بسیاری از رهبران ارکستر مطرح کشورمان باید در قالب بهترین برنامه و رپرتوار اجرا شود تا تماشاگران این چنین برای تشویق به وجد بیایند. از دیگر نکاتی که می توان درباره این به آن اشاره کرد، فروش ۵ یورویی بروشور برنامه بود که در آن جزئیات کامل برنامه به همراه متن اپراها در اختیار مخاطبان قرار گرفته بود که آنها با تمرکز بیشتری روی قطعات اجرا شده، کارها را بشنوند.

اجرای ارکستر سمفونیک تهران در شهر راونا می تواند در صورت استمرار به یکی از مهم ترین فعالیت های بین المللی و بینافرهنگی کشورمان در حوزه هایی غیر از سینما تبدیل شود. البته برگزاری چنین برنامه هایی که به گفته حمایت کنندگانش اولین و آخرین پروژه بینافرهنگی نخواهد بود، با انتقادات و نظراتی مواجه خواهد شد اما همین که این بار نام ایران غیر از سینما و فوتبال با هدایت یکی از بهترین و نام‌آورترین رهبران ارکستر دنیا و نوازندگی گروهی از جوانان مستعد ایرانی مطرح شد، می تواند برگ درخشانی در بیستمین پروژه «جاده های دوستی» موتی به حساب آید؛ پروژه ای که نباید مانند پروژه های نیمه تمام دیگر به فراموشی سپرده شود.

ریکاردو موتی در پایان اجرای برنامه با دعوت از شهرداد روحانی و خوانندگان کنسرت از مردم خواست تا این هنرمندان را به شکل ویژه‌تری تشویق کنند که مخاطبان نیز برای شهرداد روحانی سنگ تمام گذاشتند و با اهدای دسته گل از تلاش های وی تشکر کردند.